

رهیافت تاریخی عوامل مؤثر بر تحقق نقش‌های محول اجتماعی زنان در جامعه عصر نبوی

فاطمه جان‌احمدی^۱، ریحانه هاشمی شهیدی^{۲*}

چکیده

نقش‌های محول و نقش‌های محقق دو گونه نقش قابل بررسی در حیات اجتماعی بشرند. در جامعه اسلامی، بخشی از این نقش‌ها براساس آیات و روایات به زنان واگذار شده است که جامعه‌شناختی نقش‌های محول زنان در جامعه اسلامی نام گرفته‌اند. این نقش‌ها تابع شرایط اجتماعی با مقتضیات دین مبین اسلام و متکی بر زمینه‌ها و عواملی در اجتماع اسلامی اجرا و تقویت شده‌اند، برخی از این عوامل احکام امضایی رسول‌الله (ص) بوده‌اند و متکی بر مقتضیات و عوامل فطری پیش‌تر در جامعه، چه به صورت اساسی و چه به گونه کم‌اثر، وجود داشته‌اند. برخی از این نقش‌ها هم به صورت تأسیسی در اسلام ایجاد شده‌اند و دین مقدس اسلام ضمن اعطای این نقش‌ها تلاش کرده است با احاله آن‌ها به زنان ضمن برکشیدن موقعیت ایشان بر مکانیت و جایگاه اجتماعی این قشر مؤثر بیفزاید. آنچه مقرر است این مقاله بدان بپردازد، تشریح و تبیین احکام امضایی و تأسیسی اسلام و رسول خدا (ص) در تقویت و تفویض نقش محول به زنان جامعه اسلامی است که با روش توصیفی-تحلیلی متکی بر منابع تاریخی به پرسش‌های مطرح پاسخ مستدل داده خواهد شد.

کلیدواژگان

تاریخ صدر اسلام، جامعه اسلامی، نقش زنان، نقش محقق، نقش محول.

janahmad2004@yahoo.com

rey.hashemi@chmail.ir

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس

۲. دانشجوی دکتری دانشگاه ادیان و مذاهب

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۲/۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۵/۱۰

طرح مسئله

زنان، به‌عنوان نیمی از قشر فعال جامعه اسلامی، ارزش و جایگاه خاصی دارند و خداوند متعال به آن‌ها براساس منزلت‌های ویژه، نقش‌هایی درخور واگذار کرده است. به دلیل ماهیت اعطای این نقش‌ها، که اساساً اکتسابی نیستند، در این پژوهش با عنوان نقش محول نام برده شده‌اند. مطابق تعاریف معمول جامعه‌شناسی نقش محول را می‌توان نقش‌هایی دانست که قرآن کریم به‌منزله نظام وحیانی و سنت نبوی به‌مثابه آموزه‌های عملیاتی در حیات اجتماعی متکی بر جنسیت یا موقعیت، آن‌ها را برعهده افراد نهاده است. اما نقش‌های محقق مجموعه نقش‌هایی هستند که جامعه برعهده افراد نهاده است و فرد متناسب با عوامل و موقعیت مختلف آن نقش‌ها را برعهده گرفته و عمدتاً اکتسابی‌اند و در عمل، در ایفای یک نقش معین افراد آن‌ها را به کار می‌بندند [۳۵، ص ۸۶] و افراد باید آن‌ها را احراز کنند. همچنین، به دلیل اهمال یا کوتاهی در ایفای نقش، فرد مورد بازخواست مراجع قانونی قرار می‌گیرد یا بازخواست می‌شود و یا مورد توقع قرار می‌گیرد. افزون بر این، هردوی این مجموعه نقش‌ها گاه در جامعه پیشین موجود بوده‌اند که با حکم امضایی شارع مقدس تأیید شده است و در بسیاری موارد نیز در جامعه اسلامی تأسیس شده‌اند [۳۰، ص ۲۶۸].

براساس این مجموعه دوگانه از نقش‌های اجتماعی، مقاله حاضر درصدد است به این سؤال پاسخ دهد که عوامل مؤثر بر نقش‌های محوله به زنان در جامعه اسلامی عصر رسول خدا(ص) را بازیابی و نقش‌های محول را معرفی کند.

بی‌تردید، بهترین روش در پاسخ‌گویی به سؤال مطرح، نظر به مطالعات جامعه‌شناختی متکی بر نقش‌های اجتماعی با ماهیت تاریخی، روش توصیفی-تحلیلی متکی بر گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای خواهد بود. بر همین اساس، برای دستیابی به پاسخ پرسش اصلی مقاله، ابتدا زمینه‌های موجود ایفای نقش‌های اجتماعی فرانهادی صدر اسلام شناسایی و بسترهای اجتماعی این نقش‌ها در پیش‌عصر رسالت مطرح و قوانین ناهنجار آن جامعه معرفی خواهند شد و نقش‌های هنجاری امضاشده، همچون نقش‌های زنانه در خانواده و اجتماع مدینه النبی(ص)، مطرح و نقش‌های مورد تأیید رسول خدا(ص) مشخص خواهند شد. از دیگر نقش‌های ایفاشده در آن زمان، حضور اجتماعی زنان در عرصه‌های مختلف علمی-فرهنگی، سیاسی-نظامی و اقتصادی بود که رسول خدا(ص) آن‌ها را نفی نکرد، بلکه با ساماندهی فرهنگی مهر تأیید بر آن‌ها نهاد. نبی اکرم(ص) با تقویت بنیه‌های اجتماعی از قبیل حد پوشش، ترویج عفاف و دعوت بانوان به شرکت در تجمع‌های اسلامی، به‌ویژه حضور فعال در عرصه مساجد با کارکردهای اجتماعی و عبادی، ارزش حضور اجتماعی بانوان را افزود و سایر حقوق اقتصادی ایشان از جمله حق ارث، مهریه و بسیاری دیگر از مباحث عرفی را تصحیح کرد و با تأسیس هنجارهای اسلامی منطبق با نقش‌های قرآنی، زمینه تحقق نقش‌های محول از جانب خداوند متعال را در جامعه

فراهم آورد. بر این اساس، مقاله حاضر تلاش می‌کند از منظر اجتماعی با رویکرد جامعه‌شناختی فرهنگی به عوامل زمینه‌ساز نقش‌های محول توجه کند؛ باشد که از منظر این رهیافت بر نقش‌های محول صحنه نهاده شود و راه‌های حضور اجتماعی بانوان در عرصه‌های مختلف گشوده و مشخص شود.

تحقق نقش محول زنان در صدر اسلام

پیش از ورود به بحث اصلی، شایسته است تعریفی موجز منطبق با خواست این مقاله از نقش محول ارائه شود. نقش محول عبارت از نقشی است که از سوی جامعه و براساس هنجارهای اجتماعی به فرد واگذار و محول می‌شود [۱، ج ۱، ص ۵۴۶]. این نقش‌ها خارج از اراده فرد به وی محول و معیار آن طبق انتظارات جامعه مشخص می‌شود [۳۵، ص ۸۶]. به عبارتی، اکتسابی نیست، بلکه مطالبه‌ای از سوی غیر است.

مطابق بررسی‌های به‌عمل‌آمده، منشأ نقش محول در اسلام آیات و روایاتی است که از طریق وحی الهی به پیامبر خدا(ص) رسیده و قوانین الهی است که نقش‌های فردی و اجتماعی به افراد واگذار می‌شود [ر.ک: ۱۰، ص ۱۹۶].^۱ بنابراین، آیات و روایات نقش گروه مرجع را در این پژوهش ایفا می‌کند و از این طریق است که درستی یا نادرستی ایفای نقش محول مشخص می‌شود [ر.ک: ۳۵، ص ۸۶].

قوانین الهی فراجنسیتی است و زنان و مردان را همگی شامل می‌شود و در موارد خاص، که قانونی به یک جنس اختصاص پیدا می‌کند، به‌صورت خاص یا استثنایی مشخص می‌شود. نقش‌های محول که در آیات و روایات آمده، با فطرت هماهنگی دارد (روم/۳۰)^۲ و اسلام با تعیین این نقش‌ها بر آن‌ها مهر تأیید زده است.

نزول آیات الهی در میان قومی انجام پذیرفت که میراث‌دار فرهنگ جاهلی بوده و برخی از آداب و رسوم آن با فطرت پاک انسانی مغایرت داشت و رسول خدا(ص) می‌بایست با سعه صدر و تدبیر این نسل را به گونه‌ای تربیت می‌نمود که بتواند از لحاظ فرهنگی به بالاترین درجه کمال برسد. آنچه امکان این تحول بنیادین را فراهم می‌کرد، آموزه‌های خالص و حیانی بود که می‌توانست بنیاد هنجارهای غلط اجتماعی را بشکند و به جای آن ارزش‌های والایی را جایگزین کند؛ وگرنه امکان تغییر رفتار و منش مردمان جاهلی با فرهنگی رسوب‌کرده، وجود نداشت. عامل اجرایی و پشتوانه این تحول، اخلاق و روحیه شخص رسول خدا(ص) بوده است که خداوند متعال آن را به «خلق عظیم» (قلم/۴) ستوده و بر رفتارهای عرف‌شکن در جامعه

۱. «بنابراین که علم جامعه‌شناسی به نقش‌هایی که جامعه برای هرکس تعیین می‌کند، نقش محول می‌گویند،

نقش‌هایی که در اسلام نیز براساس آیات و روایات تعریف می‌شود نقش محول گفته می‌شود.»

۲. «فَطَرَتِ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَائِمُ.»

جاهلی صحنه نهاده است. بر همین اساس، در ابتدای بعثت پیامبر(ص) اصراری بر تغییر سریع وضعیت موجود نداشت و به مدت سیزده سال در مکه [۳، ج ۱، ص ۱۷۳] با شرایط موجود همراهی کرده و افراد را مهبیای پذیرفتن احکام اولیه و اصول اعتقادات توحیدی کرد. در این راستا، تغییر نگاه جاهلی به زنان، یکی از اهداف مهم پیامبر(ص) بود، زیرا نگاه جامعه جاهلی به زنان نگاهی غیرانسانی و غیراخلاقی بود که باید تغییر می‌یافت و زن می‌بایست جایگاه انسانی اسلامی خود را پیدا می‌کرد.

گام نخست: تغییر فرهنگ جاهلی از طریق تقویت بنیادهای برگرفته از آموزه‌های قرآنی و سنت رسول خدا(ص)

اسلام آداب و رسوم پسندیده جاهلی را تأیید و نهادینه کرد و در مقابل رفتارهای ناپه‌نجان، با طمأنینه به مقابله برخاست تا عادات‌های زشت را از میان ببرد و به جای آن‌ها، رفتار پسندیده اسلامی را معرفی کند و انسان‌ها با مراجعه به فطرت خویش این رفتارها را برگزینند و رفتارهای اسلامی به صورت عرف درآیند و به فرهنگ و سنت ناب اسلامی تبدیل شوند. در جامعه جاهلی، زن فاقد هرگونه جایگاه و منزلت خاص اجتماعی بود؛ تا جایی که صاحب اختیار خود یا اموال متعلق به خود نیز نبود [۲، ج ۶، ص ۲۵۰-۲۵۱؛ ۲۳، ج ۴، ص ۲۲۳] و نه تنها اموال او، که خود او نیز با عنوان کالا به ارث برده می‌شد [۳۰، ج ۱، ص ۴۵۸؛ ۴۲، ص ۳۲۷]. این درحالی است که به دلیل فقدان رویکرد انسانی، زنان مصون از سوء استفاده جنسی نبودند. [۱۹، ج ۲، ص ۵۴]. فقدان امنیت اقتصادی، آنان را به کسب درآمد از طریق تن‌فروشی برای مالکان خود مجبور کرده بود [۳۳، ج ۲، ص ۱۰۲؛ ۸، ج ۴، ص ۶۶؛ ۳۰، ج ۳، ص ۶۰۲]. تلقی نقصان عقل زن در جامعه جاهلی برای او شرایطی را فراهم کرده بود که هر مخالفتی با نظر وی نشانه استواری رأی به‌شمار می‌آمد [۴، ص ۴۵-۴۶].

نخستین پیام قرآن، که گام اول در تغییر نقش‌های اجتماعی جاهلی به‌شمار می‌آید، موضوع برابری مردان و زنان از حیث انسانیت و رسیدن به کمال بود، زیرا هر دو از یک نفس واحد آفریده شده‌اند (نساء/۱). این کلام وحیانی، که با روش رفتاری رسول خدا(ص) توأم بود، پیامی متفاوت با برداشت‌های عصر جاهلی از وضع یا موقعیت حقوقی زنان بود. آغاز نزول آیات قرآنی در این باب و تغییر این نگرش را در مکه با اجرای عدالت در مناسبات اجتماعی مانند زنده‌به‌گور کردن دختران و... و سپس در مدینه با اجرایی کردن احکام اسلامی می‌توان یافت^۱، زیرا پیامبر(ص) در جامعه مکه در بدو رسالت درصدد تصحیح اعتقادات از جمله توحید و نبوت و معاد بود، که منشأ رویکرد تساوی‌جویانه نگاهی توحیدی به مبدأ خلقت بود. اما مدینه محتوا

۱. سوره نساء از نخستین سوره‌هایی است که در مدینه نازل شده و با عنوان «نساء» به جایگاه ویژه زن اشاره کرده است.

و ماهیتی متفاوت داشت، زیرا در مدینه می‌بایست جایگاه مرد و زن در جامعه اسلامی براساس موازین اسلامی و قوانین برگرفته از نگاه توحیدی به خدا، نبی(ص) و معاد مطرح می‌شد تا هریک از آن‌ها طبق وظایف تعیین‌شده در محدوده اسلامی عمل کنند. دلیل این بیان را می‌توان در نزول سوره‌های مدنی^۱ [۳۸، ص ۷۹] و برخی آیات در مدینه یافت که شامل تفکیک احکام زن و مرد و تعیین وظایف آن دو می‌شود.

تعیین وظایف زنان در دو محدوده فردی و خانوادگی از یکسو و عرصه اجتماعی از سوی دیگر نشان از تأیید اسلام بر حضور زنان در هر دو عرصه است. بنیان احکام اسلامی امری جدا از نیازهای برخاسته از وجود انسان نیست. به همین دلیل، احکام اسلامی بر پایه‌های موجود در جامعه پیشاپیمبر(ص) بنیان‌گذاری شد و ضمن پذیرش زیرساخت‌های بنیادی جامعه زنان به اصلاح امور ناهنجار آن جامعه پرداخت.

یکی از دلایلی که باعث پذیرش قوانین الهی از سوی جامعه صدر اسلام می‌شد، همراهی این قوانین با فرهنگ حاکم بر جامعه بود که به برخی احکام تأییدشده از جانب خدا و رسول(ص) در این زمینه اشاره می‌شود.

گام دوم: تقویت بنیاد منزلتی زنان از طریق احکام امضایی رسول خدا(ص)

نقش‌های فردی و اجتماعی زنان، که در جامعه جاهلی جریان داشت و با فطرت و ذات انسانی مغایرتی نداشت، با تعیین وظایف و حدود در اسلام تثبیت شد. اسلام ضمن تثبیت نقش‌های فردی زن در خانواده با ارزش‌گذاری بر آن‌ها بر تداوم این نقش‌ها تأکید و نقش‌های اجتماعی زنان را با رعایت حدود اسلامی معین کرد.

تأیید منزلت زن در نهاد خانواده: اسلام ارزش زن را در نهاد خانواده گرامی داشت و نقش‌های مختلف او را در این نهاد تثبیت کرد و برخی را بر بعضی دیگر برتری داد. پیامبر(ص) نه تنها بر نقش‌هایی همچون مادری در صدر اسلام مهر تأیید نهاد، حتی مقام او را به قدری بالا برد که از مقام مردان پرافراتر نهاد. این امر در جامعه جاهلی که زنان منزلتی نداشتند، به راحتی قابل پذیرش نبود، ولی با صدور آیات قرآنی در احسان به والدین و انجام دادن همه خواسته‌هایشان قبل از آنکه خود ایشان بیان کنند [۳۰، ج ۳، ص ۱۴۹؛ ج ۳۳، ص ۵۱۶-۵۱۸] و اظهارنکردن کمترین ناراحتی از ایشان، موجب می‌شد تا زنان به تدریج مقام انسانی و ارزش والای خود را باز یابند. اجر زحمات مادر، از حمل نوزاد در رحم گرفته تا وضع حمل و پرورش او در دامن مادر، در نظام اسلامی بیش از جهاد مردان مقرر شد [۲۱، ص ۴۱۱]؛ حال آنکه جامعه جاهلی ارزش مردان را در جنگیدن و به دست آوردن غنایم و اموال می‌دانست و به همین دلیل گاه زنان را از ارث محروم می‌کرد [۲۷، ج ۴، ص ۱۷۶]، ولی اسلام جایگاه ارزشی مادر را بالا برد و ارث او را طبق موازین اسلامی معین کرد (نساء / ۱۱).

۱. سوره‌هایی از قبیل نساء، نور و احزاب، که در مدینه نازل شده‌اند، برخی ناظر به مسائل بانوان‌اند.

تأیید حضور و مشارکت زنان در عرصه‌های اجتماعی: آیات قرآن مؤید حضور اجتماعی بانوان در اجتماع بود، ولی ایشان را از رفتارهای ناپسند و غیراخلاقی همراه بود که در فرهنگ اسلام مهر بطلان خورد و به جای آن‌ها روابط اخلاقی و مطابق با فطرت و سازگار با هنجارهای اسلامی موجود در جامعه تأیید شد. روابط ناسالم در جامعه نوپای اسلامی ممنوع شد و روابط اجتماعی نامشروع زنان و مردان در ابتدای جامعه مدنی همراه با مجازات حبس خانگی تعیین شد و پس از تثبیت احکام اسلامی، مجازات‌های سخت‌گیرانه سنگسار اعمال شد [۱۴، ج ۲۸، ص ۶۷]. با توجه به اینکه فعالیت‌های اجتماعی بانوان نسبت به سطح طبقاتی ایشان متفاوت بود و انتظارات جامعه نیز براساس هنجارهای جامعه تفاوت داشت، خداوند فعالیت‌های بانوان مرجع اسلامی را، که شامل زنان خاندان نبی(ص) می‌شدند، برای حفظ جایگاه ایشان با محدودیت‌های بیشتری، از جمله تعاملات اجتماعی، از پشت حجاب و پرده مطرح کرده و آن را دلیلی بر طهارت قلبی طرفین بیان کرد (احزاب/ ۵۳).

زنان در عصر جاهلی براساس طبقات اجتماعی از فعالیت‌های اجتماعی بهره‌مند بودند. طبقه کنیزان آزادی عمل نداشتند، ولی زنان حره و آزاد برای حضور در عرصه‌های مختلف اجتماعی آزادی عمل داشتند. بانوان صحابه، با توجه به منزلت اجتماعی خود، حضورهای متفاوتی در جامعه داشته‌اند؛ زنان عصر رسول‌الله(ص) در فعالیت‌های عمومی شرکت فعال داشتند و همواره در تعامل با پیامبر(ص) بودند. حضور زنان در مجامع عمومی، از جمله هجرت از مکه به حبشه [۸، ج ۷، ص ۱۰۵] و مدینه [۲۵، ج ۹، ص ۴۱۰]، حضور در بیعت‌های مختلف [۲۸، ج ۹، ص ۵۸۷-۵۸۸]، شرکت در جنگ‌ها برای مداوای بیماران [۳۲، ج ۸، ص ۱۷]، مراجعه برای احقاق حق خود [۲۵، ج ۹، ص ۳۷۱] و دریافت پاسخ سؤالات به محضر رسول‌خدا(ص) به صورت خصوصی [۲۵، ج ۹، ص ۳۷۱] یا در مجامع عمومی [۲۷، ج ۵، ص ۳۱-۳۲] از مواردی است که در عصر رسول‌خدا(ص) دیده می‌شود. کیفیت ملاقات‌های گوناگون بانوان با رسول‌خدا(ص) که مطابق با تعاملات پیشین آنان در عصر جاهلی بود، گویای ارتباط آسان ایشان با حاکم جامعه اسلامی و حضور در عرصه‌های مختلف اجتماعی از قبیل علمی، نظامی، اقتصادی و... بوده است.

سومین گام: تقویت بنیادهای اجتماعی از طریق احکام تأسیسی رسول‌خدا(ص) در پذیرش موقعیت و مکانت زنان در جامعه اسلامی

اسلام بسیاری از معادلات موجود در جامعه جاهلی را بر هم زد و جامعه‌ای را که پر از جنگ و خونریزی و تجاوز به زنان و دختران و هرگونه ظلم و تعدی به افراد ضعیف بود، با قوانینی جدید براساس اعتقادات مستحکم توحیدی بنا کرد. زن که در جامعه جاهلی موجودی ناچیز شمرده می‌شد یا با تعریف‌هایی که از یهود در رابطه با آدم و حوا شده بود، موجودی طفیلی و شر محسوب می‌شد، به گونه‌ای دیگر معرفی شد [ارک: ۲۳، ج ۱، ص ۱۴۷]. زن در دیدگاه

اسلامی از یک نفس همراه با آدم(ع) خلق شده بود که هر دو در نافرمانی اولیه از بهشت هبوط نمودند و گناه این هبوط به گردن حوا تنها نبود و خطاب الهی در هبوط به هر دو باز می‌گشت (طه/۱۲۳).

زن در این جامعه ارزش انسانی داشت که می‌توانست به مقامات عالی انسانی برسد و نمونه‌های قرآنی آن همچون مریم، آسیه،... معرفی می‌شد و نمونه‌های عملی آن همچون خدیجه بنت خویلد، فاطمه زهرا(س) و ... بودند که در میان افراد جامعه می‌زیستند. جایگاه ارزشی زن تا بدانجا بالا می‌رفت که پیامبر(ص) به‌عنوان والاترین مقام انسانی، حتی بالاتر از فرشتگان، جایگاه فاطمه(س) را به‌عنوان ام‌ابیها معرفی می‌کرد [۳۷، ج ۳، ص ۴۳]. رسول‌الله(ص) با استفاده از ظرفیت‌های موجود در بانوان آنان را با منزلت حقیقی خویش آشنا کرد و با استفاده از ابزارهای اخلاقی مبتنی بر اعتمادسازی عمومی به ترویج فرهنگ اسلامی پرداخت و هنجارهای اسلامی را در جامعه رواج داد.

تثبیت احکام اسلامی در مورد زنان و مردان فقط از طریق تداوم راه اهل بیت (ع) امکان‌پذیر بود که برای طی این مسیر می‌بایست زیرساخت‌های جامعه اسلامی براساس عوامل درونی و معنوی از سویی و بیرونی و اجتماعی از سوی دیگر تقویت می‌شد و به همین دلیل پیامبر با تأکید بر پیروی هم‌زمان از قرآن و اهل بیت (ع) و تمسک به آن دو [۹، ج ۳، ص ۱۴؛ ۱۳، ج ۳، ص ۱۴۸؛ ۳۷، ج ۲، ص ۱۰۰] گمراه‌نشدن جامعه نبوی را تضمین کرد.

عوامل درونی و معنوی در بسترسازی پذیرش احکام تأسیسی

مهم‌ترین عامل گرایش به خداوند متعال معنویات و اعتقاد درونی انسان‌هاست که موجب عمل صحیح آن‌ها می‌شود. شناخت خداوند متعال درحالی‌که جامعه حجاز آکنده از شرک و بت‌پرستی بود و محبت به رسول‌الله(ص)، به‌عنوان فردی که از ابتدا «محمد امین» شناخته شده بود، اصولی‌ترین اعتقاداتی بود که باید در دل و جان مسلمانان جای می‌گرفت. پیدا کردن این معرفت در آن جامعه کار آسانی نبود، هرچند بانوانی همچون خدیجه(س) پیش از اسلام به مقام عالی رسول‌خدا(ص) پی برده و درصدد پیروی کامل از ایشان بودند [۳۶، ج ۳، ص ۲۱۵-۲۵۷]، این‌گونه نبود که همه جامعه جاهلی، پس از ظهور پیامبر(ص) به مقام ایشان معرفت کافی داشته باشند. آموزه‌های قرآنی و بینش توحیدی موجب می‌شد تا به تدریج افراد به این معرفت دست پیدا کنند و با حضور در مجالس عمومی و خصوصی از حضور آن حضرت بهره‌مند شوند و برخی، همچون ام‌حرام، بدان منزلت نائل آیند که مقام شهادت را از خدا بخواهند [۵، ج ۴، ص ۱۹۳۱، ج ۴، ص ۱۹۳۱؛ ۳، ج ۸، ص ۳۲۰؛ ۲، ج ۶، ص ۳۱۷-۳۱۸]. به تدریج، با رشد اعتقادات اسلامی در جامعه مکه و پس از آن در مدینه، ارادت زنان به مقام متعالی پیامبر(ص) بالا می‌رفت. معرفت بانوان در مدینه بدان سطح رسید که به دلیل نازل‌نشدن آیات

در شأن زنان نزد پیامبر(ص) لب به اعتراض گشودند [۱۷، ج ۲، ص ۱۴۹ و ج ۵، ص ۲۰۰؛ ۳۰: ج ۴، ص ۲۷۷] و خداوند متعال نیز در پاسخ به این درخواست مقام زنان مسلمان، مؤمن، مطیع، راستگو، صابر، خاشع، انفاق کننده، روزه دار و پاکدامن و ذاکر یاد خدا را مثل مردان در این زمینه دانست و برای ایشان مغفرت و اجر عظیم قرار داد (احزاب/۳۵). علاوه بر آنکه سوره‌ای به نام زنان (نساء) نازل شد و برخی از احکام زنان را در این سوره مشخص و تبیین کرد. حال آنکه به مردان سوره‌ای خاص در قرآن اختصاص نیافته است.

یکی دیگر از عوامل معنوی، ایجاد محبت بین اهل بیت (ع) و مردم بود که از طریق ارتباط پیامبر(ص) با مردم نشأت می‌گرفت. در جامعه صدر اسلام، بانوانی بودند که با تمامی عشق کنار رسول‌الله(ص) حضور می‌یافتند و از حکمت‌های الهی بهره‌مند می‌شدند. بانویی همچون سمیه تا پای جان ایستادگی کرد و نخستین بانوی شهید در راه اسلام شد [۵، ج ۴، ص ۱۸۶۳-۱۸۶۴]، برخی بانوان برای اظهار ارادت به اسلام و محبت پیامبر(ص) سختی مهاجرت را به جان می‌خریدند و به تنهایی از مکه به مدینه هجرت می‌کردند [۳۹، ج ۱، ص ۳۰۲]، بسیاری از بانوان برای اظهار ارادت در جبهه‌های نبرد حضور می‌یافتند [۳۹، ج ۱، ص ۱۵۳؛ ۴۲، ج ۱، ص ۲۴۹]، زنانی که تا چندی قبل جز موجوداتی ضعیف و ناتوان شناخته نمی‌شدند که موجب گرفتاری مردان‌اند، اکنون به چنان جایگاه رفیعی رسیده بودند که زندگی را فراتر از ابعاد مادی می‌دیدند و با درک معارف از اهل بیت پیامبر(ص) مکانت فردی و اجتماعی خود را دریافته بودند.

عوامل بیرونی و اجتماعی در پذیرش احکام تأسیسی

تحقق جامعه آرمانی اسلامی در صدر اسلام، بدون حضور مردان و زنان، در اجتماع و همکاری آنان امکان‌پذیر نبود، لذا عوامل بیرونی و اجتماعی در این زمینه بسیار مهم می‌نمود. تغییر نظام فکری جاهلی به اسلامی نیازمند رشد فکری زنان و مردان بود که با نزول آیات الهی و بیانات همراه با سیره نبوی در جامعه به تدریج تجلی می‌یافت. در عرصه اجتماعی، که تاکنون تنها جایگاه حضور مردان بوده و تنها اندک زنان حره و آزاد حق اظهار نظر داشتند، به عرصه‌ای عمومی تبدیل می‌شد که زنان با یافتن حق انسانی خویش جایگاه ارزشی خویش را بازیابند و در حوزه‌های مختلف حضور یابند. نمونه بارز زنان صدر اسلام حضرت خدیجه(س)^۱ [۱۵: ج ۲، ص ۳۰۲] و مادر عباس بن عبدالمطلب^۲ [۱۲: ج ۷، ص ۴۴۱] و زنان جاهلی هند همسر ابوسفیان^۳ [۶: ج ۷، ص ۹۳] بود که وی نیز پس از فتح مکه به جرگه مسلمانان پیوست. پس از

۱. خدیجه با اموال خویش تجارت می‌کرد.

۲. مادر عباس زن ثروتمندی بود که خانه کعبه را با حریر بپوشاند.

۳. هند به پدرش در مورد ازدواج گفت: مرا در مورد ازدواج آزاد بگذار و به من دستور نده تا هرکس را که می‌خواهم انتخاب کنم.

گسترش اسلام، زنان بسیاری در این عرصه داخل شدند که نام آن‌ها در تاریخ اسلامی با عنوان زنان صحابه^۱ آمده است.

علمی و فرهنگی: نخستین حضور بانوان در عرصه اجتماعی را می‌توان در صحنه دینی— فرهنگی در حضور حضرت خدیجه دید. ایشان نخستین بانویی بود که به دین اسلام گروید [۵، ج ۲، ص ۵۴۶] و خانه وی مرکز نزول وحی و آموزش مسائل اسلامی بود. ولی جامعه مکه به دلیل محدودیت‌های مشرکان امکان زیادی برای پیشرفت علمی نداشت. با هجرت پیامبر(ص) و مسلمانان به مدینه‌النبی(ص) آموزش علمی و فرهنگی گسترش یافت و بانوان امکان حضور در مجامع عمومی و مساجد را یافتند و هنگام ندای «الصلاة جامعة» مردان و زنان استثنایی در این ندا نمی‌یافتند و همگان به سوی اجتماع عمومی می‌شتافتند [۷، ص ۵، ج ۵، ص ۹، ۲۰۹؛ ۳۹، ج ۳، ص ۷۸، ج ۱۴، ص ۴۴۳؛ ۲۴، ج ۲۴، ص ۴۰] و با شنیدن احکام اسلامی به آن‌ها عمل می‌کردند. یکی از مسائل فرهنگی اسلامی وجوب پوشش بانوان بود. در صدر اسلام، بانوان براساس طبقه‌بندی افراد به حر، موالی و کنیز پوشش‌های متفاوتی داشتند. در این زمینه، ابتدا برای بانوان مرجع و مؤمن حد اعلای حجاب نازل شد که خواستار پوشش کامل و سرتاسری بدن شد [۱۱: ج ۴، ص ۴۹۶؛ ۳۰: ج ۴، ص ۳۰۷؛ ۱۷، ج ۵، ص ۲۲۱]. در مرحله بعد، وجوب پوشش در مورد زنانی صادر شد که سر و گردن خود را نمی‌پوشاندند یا به نحوی تحریک‌آمیز یا با زینت از خانه خارج می‌شدند و موجب تحریک مردان را فراهم می‌آوردند [۳۰: ج ۳، ص ۵۹۲-۵۹۳؛ ۱۷، ج ۵، ص ۴۱-۴۳؛ ۹، ج ۴، ص ۵۸-۵۹].

یکی دیگر از عوامل اجتماعی رشد زنان حضور ایشان در اجتماعات اسلامی بود. تأکید پیامبر(ص) بر حضور اجتماعی زنان، به‌رغم میل مردان، موجب می‌شد تا حضور زنان در مساجد به شکلی گسترده درآید. پیامبر(ص) برای جلوگیری از سخت‌گیری‌های تعصب‌آمیز در این زمینه، مردان را از ممنوع کردن زنان بازمی‌داشت^۲ [۴۱: ج ۲، ص ۳۲] و خروج زنان را به عدم جلب توجه از طریق عطرزدن و ... ملزم می‌نمود^۳ [۳۷، ج ۸۷، ص ۳۵۴]. علاوه بر آن، نماز جماعت عید را بر زنان واجب دانست و بدان امر می‌نمود^۴ [۴۰، ج ۶، ص ۱۴۵] و حتی در این زمینه مردان را مخاطب قرار می‌داد و آنان را از محبوس کردن زنان منع می‌کرد^۵ [۳۷، ج ۸۷، ص ۳۵۳].

۱. نام برخی از زنان صحابه در کتاب‌های مختلف آمده است؛ مثلاً جلد هشتم کتاب *الطبقات الکبری* تألیف ابن سعد به شرح حال بانوانی را که با پیامبر(ص) بیعت نموده‌اند بیان کرده است.
۲. عبد الله بن عمر قال سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول لا تمنعوا نساءكم المساجد إذا استأذنكم.
۳. روی أنه(ص): قال لا تمنعوا إماء الله مساجد الله و ليخرجن تفلات أي غير متطيبات.
۴. أن رسول الله(صلى الله عليه و آله) أمر النساء أن يصلين في العيدين أربع ركعات.
۵. قال علي(عليه السلام): لا تحبسوا النساء عن الخروج في العيدين فهو عليهن واجب.

یکی دیگر از اقدامات پیامبر(ص) در گسترش حضور اجتماعی بانوان رفع تبعیض نژادی و نظام طبقاتی در جامعه آن سامان بود. خداوند متعال با امر به آزادسازی بردگان با شیوه‌های مختلف [رک: ۲۲، ج ۳، ص ۱۱۳-۱۳۳]، اجازه بازخرید بردگان را از صاحبان آنها با شرایط خاص اعلام کرد و از این طریق بسیاری از نیروهای در بند آزاد شدند (نور/۳۳). قشر بانوان به شکل‌های مختلف آزاد و توانایی استفاده از امکانات اجتماعی را، همچون سایرین، برخوردار شدند [رک: ۲۲، ج ۳، ص ۱۱۳-۱۳۳]. این امر باعث می‌شد تا زنان ضمن عشق به دین اسلام، آزاد شوند و فرزندان آزاد به جامعه تحویل دهند.

سیاسی- نظامی: اسلام در عرصه اجتماعی از حیث نظامی و جهاد، واجبی را بر گردن زنان قرار نداد و به جای آن زحمت و کار بانوان در خانه، همسرداری [۱۷، ج ۲، ص ۱۵۲-۱۵۳] و تربیت فرزند [۲۲، ج ۳، ص ۵۶۱] را معادل جهاد در راه خدا قرار داد. در عین حال، آنان را از دفاع در راه خدا منع نفرمود^۱ [۳۴، ج ۵، ص ۹].

پیامبر(ص) به بانوانی که درصدد کمک در جبهه‌های نبرد جهت آبرسانی، مداوای مجروحان، کمک به مسلمانان و... بودند، اجازه حضور داده و برای آنان دعای خیر می‌نمود [۴۲، ج ۲، ص ۶۸۵؛ ۲۰، ج ۵، ص ۱۴۴؛ ۲۶، ج ۱۱، ص ۶۲۴]. علاوه بر آن، از حمل سلاح از سوی بانوان منع نکرده [۳، ج ۸، ص ۳۱۲] و اجازه جنگ و دفاع در شرایط بحرانی را می‌داد. دلاوری‌های زنان در جبهه‌های نبرد نه تنها از سوی پیامبر(ص) نهی نشد، بلکه زنان مبارز از سوی پیامبر(ص) تشویق شدند و نبی خدا(ص) برای آنان دعای خیر نمود [۳۹، ج ۱، ص ۱۶۲]. بدین‌وسیله، خودباوری زنان در عرصه‌های اجتماعی اسلامی موجب شد تا آنان در عین حالی که در خانه از جهاد معنوی بهره‌مند شدند، خود را بی‌نیاز از دفاع اسلام و حضور در جبهه‌های جنگ ندانند و با حضور در عرصه‌های نظامی از دین و کیان خود دفاع کنند.

اقتصادی: ساختار اجتماعی عصر جاهلی به گونه‌ای بود که کمتر زنی می‌توانست از قدرت اقتصادی برخوردار شود، مگر زنان آزادی که اصل و نسب بالایی داشتند و به‌عنوان زنان عاقله مطرح بودند. اسلام با در نظر گرفتن اساس انسانیت و توانایی‌های بالقوه زن در اداره زندگی و چرخاندن گردونه اقتصاد خود، برای مالکیت زنان تعاریف جدیدی ارائه داد (نساء/ ۷ و ۳۲) که فقط با اصول انسانی الهی قابل تعریف بود. در این راستا، اموال به شخص ایشان تعلق گرفت^۲ [۲۹، ج ۳، ص ۲۳۴] و بانوان حق داشتند از راه‌های مختلف کسب درآمد [۲۵، ج ۳، ص ۶۴] و در صورت نیاز بیرون از خانه کار کنند^۳ [۲۲، ج ۳، ص ۴۹۹]. پیامبر(ص) زنان شاغل را

۱. «فإن مجاهدة العدو فرض على جميع الأمة».

۲. ابی جعفر(ع) قال: «إذا كانت امرأة مالكة أمرها تبيع و تشتري و تعتق و تشهد و تعطي من مالها ما شاءت».

۳. كَتَبَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ إِلَى أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَام) فِي امْرَأَةٍ طَلَّقَهَا زَوْجَهَا وَ لَمْ يَجِرْ عَلَيْهَا النَّفَقَةَ لِلْعِدَّةِ وَ هِيَ مُحْتَاجَةٌ هَلْ يَجُوزُ لَهَا أَنْ تَخْرُجَ وَ تَبَيْتَ عَنْ مَنْزِلِهَا لِلْعَمَلِ وَ الْحَاجَةِ فَوْقَ

در موارد مختلف راهنمایی می‌کرد و کیفیت صحت عمل را به آن‌ها می‌آموخت^۱ [۱۶، ج ۲، ص ۵۳۳] یا در مواردی ایشان را منع می‌نمود^۲ [۱۷، ج ۵، ص ۴۷]. زنان طبق آیه صریح قرآن می‌توانستند در ازای شیردادن اطفال اجرت دریافت کنند (طلاق/ ۶) و مهریه به خود زنان اختصاص یافت. مهریه که در جامعه پیشین حق اولیا محسوب می‌شد [۲۷، ج ۴، ص ۱۶۲؛ ۲۹، ج ۱، ص ۴۴۰]، در جامعه اسلامی به‌منزله حق زن شناخته شد و زنان خود مالک مهریه شدند. از تأسیسات اسلام در این زمینه قراردادن مهریه از امور معنوی بود؛ تا آنجا که آموزش قرآن، که امری معنوی بود، به‌منزله صدق و مهریه زنان قرار داده می‌شد [۱۳، ج ۴، ص ۱۴۳-۱۴۴؛ ۱۶، ج ۱، ص ۴۶۹].

اختصاص ارث به بانوان، در حدی معین، از دیگر امتیازات اقتصادی محوله به زنان بود. در نظام جاهلی، زنان جایگاهی نداشتند تا از باقی‌مانده مال میت چیزی به آنان تعلق بگیرد، بنابراین به زنان ارثی نمی‌رسید و فقط مردان به دلیل توانایی جنگ و به دست گرفتن قدرت و کسب دارایی حق داشتند از ماترک میت بهره‌مند شوند [۲۷، ج ۴، ص ۱۷۶]. اسلام این قانون را منسوخ اعلام و سهام معین بانوان را تأسیس کرد و با آیه صریح قرآن مسلمانان را مخاطب قرار داد (نساء/ ۳۲) و سهام هریک از بانوان با توجه به رتبه او نسبت به میت مشخص شد. پس از ایفای کامل مالکیت زنان، ایشان در جامعه اسلامی با مردان در ادای حقوق اسلامی، از جمله خمس و زکات، شریک می‌شدند و گاه مخاطب خاص در این امر قرار می‌گرفتند (احزاب/ ۳۳).

نتایج پژوهش

بررسی‌های به‌عمل‌آمده نشان داد که اسلام زنان را به‌منزله نیمه فعال جامعه به رسمیت شناخت و از زمینه‌های موجود جامعه، برای رشد آن‌ها بهره فراوان جست و با رهبری پیامبر(ص)، به‌عنوان معمار فرهنگی جامعه اسلامی، با مواد و حیانی نیمه بی‌جان جامعه را به تحرک واداشت. پیامبر اسلام(ص) با شناخت از جامعه‌ای که در آن پرورش یافته و حضور داشت، سعی در ارج نهادن به مقام زن نمود و از بسترهای موجود در رشد و تعالی بانوان بهره جست. قوانین الهی به‌منزله پیام اصلی اسلام پشتوانه پیامبر(ص) در فراهم کردن این زمینه‌ها بود که از طریق بیانات پیامبر اکرم(ص) و اجرای آن‌ها در سیره عملی پیامبر(ص) تجلی می‌یافت و آیات قرآن نیز به‌منزله فصل الخطاب نقش‌های زنانه را تثبیت می‌کرد و مایه دلگرمی

(صلی‌الله‌علیه‌وآله): «لَا تَأْسُ بِذَلِكَ إِذَا عَلِمَ اللَّهُ الصَّحَّةَ مِنْهَا.»

۱. «عن ام عطیة: ان امرأة كانت تختن النساء بلامدینة، فقال لها رسول الله(صلی‌الله‌علیه‌وآله)، لا تنهکی، فان ذلك احظ للمرأة، و احب الی البعل.»

۲. «مسئکه از پیامبر(ص) در مورد حکم خودفروشی پرسید، پیامبر(ص) با نزول آیات منع زنا ایشان را منع نمودند.»

بانوان در این زمینه می‌شد. علاوه بر آن، جایگاه انسانی زن در جامعه جاهلی چندان مورد توجه نبود. اسلام با قوانین تأسیسی سعی در بالابردن جایگاه و منزلت زنان کرد و در این راستا با وضع قوانین مختلف از بانوان حمایت مادی و معنوی کرد. بنابراین، بررسی‌های موجود نشان داد که خداوند متعال ضمن تثبیت نقش‌های مثبت جاری زنانه در جامعه جاهلی از طریق امضایی، تعریفی جدید از جایگاه بانوان در جامعه اسلامی ارائه کرد و ضمن تأیید جایگاه اجتماعی زنان در کنار مردان، احکام خاصی را در جهت اختصاص حق الهی- انسانی به ایشان اختصاص داد.

منابع

- [۱] قرآن کریم.
- [۲] ابن اثیر، عزالدین بن الاثیر الجزری (۱۴۰۹). *اسد الغابۃ فی معرفۃ الصحابۃ*، بیروت: دارالفکر.
- [۳] ابن سعد، محمد بن سعد بن منیع الهاشمی البصری (۱۴۱۰). *الطبقات الکبری*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- [۴] ابن الطقطقی، محمد بن علی بن طباطبا (۱۴۱۸). *الفخری فی الآداب السلطانیة و الدول الاسلامیة*، الطبعة الأولى، بیروت: دارالقلم العربی.
- [۵] ابن عبدالبر، أبو عمر یوسف بن عبدالله بن محمد (۱۴۱۲). *الاستیعاب فی معرفۃ الأصحاب*. ط الأولى. علی محمد التحقیق: البجاوی. بیروت: دارالجمیل.
- [۶] ابن عبد ربہ اندلسی (۱۴۰۴). *عقد الفرید*، ۸ جلدی، دارالکتب العلمیه.
- [۷] ابن کثیر دمشقی، ابوالفداء اسماعیل بن عمر (۱۴۰۷). *البدایة و النهایة*، بیروت: دار الفکر.
- [۸] ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸). *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، محمد جعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- [۹] احمد بن حنبل (بی‌تا). *مسند احمد*، بیروت: دار صادر.
- [۱۰] آگ برن، ویلیام فیلدینگ، و مایر فرانسیس نیم کف (۱۳۵۲). *زمینه جامعه‌شناسی*، اقتباس: ا. حم آریان پوری. ترجمه امیرحسین آریان پور، تهران: کتاب‌فروشی دهخدا، با همکاری مؤسسه انتشارات فرانکلین، چ ۶.
- [۱۱] بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۴۱۶). *البرهان فی تفسیر القرآن*، قسم الدراسات الاسلامیه مؤسسه البعثه - قم، تهران: بنیاد بعثت.
- [۱۲] جواد علی، *المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام*، بغداد: جامعه بغداد، منشورات الشریف الرضی، بی‌تا.
- [۱۳] حاکم نیسابوری (بی‌تا). *المستدرک الصحیحین*، اشراف: یوسف عبدالرحمن المرعشلی، ۳ جلدی، بی‌جا.
- [۱۴] حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). *وسائل الشیعه*، قم: مؤسسه آل‌البیت.
- [۱۵] زرکلی، خیر الدین (۱۴۱۰). *الأعلام قاموس تراجم لأشهر الرجال و النساء من العرب و المستعربین و المستشرقین*، ط الثامنہ، بیروت: دارالعلم للملایین.

- [۱۶] سجستانی، سلیمان بن الاشعث (۱۴۱۰). سنن ابی داود، تحقیق: سعید محمد اللحام، ۲جلدی، بی‌جا: دارالفکر.
- [۱۷] سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۰۴). الدر المنثور فی تفسیر المأثور، ۶ جلدی، قم: کتاب‌خانه آیت‌الله نجفی مرعشی.
- [۱۸] شایان‌مهر، علیرضا (۱۳۷۷). دائرةالمعارف تطبیقی علوم اجتماعی، تهران: کیهان.
- [۱۹] شکرآلوسی، محمد (بی‌تا). بلوغ الارب فی معرفه احوال العرب، شرح و تصحیح: محمد بهجة‌الائری، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- [۲۰] صالحی شامی، محمد بن یوسف (۱۴۱۴). سبل الہدی، طبعه الاولی، تحقیق: عادل احمد عبد الموجود و علی محمد معوض، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- [۲۱] صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۳۷۶). الأملی، تهران: کتابچی، چ ۶.
- [۲۲] صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۰۹). من لا یحضره الفقیه، ترجمه علی‌اکبر غفاری، محمدجواد بلاغ و صدر بلاغ، تهران: صدوق.
- [۲۳] طباطبایی، محمد حسین (۱۴۱۵). المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعہ مدرسین حوزه علمیه قم، چ ۵.
- [۲۴] طبرانی (بی‌تا). المعجم‌الکبیر، الطبعه الثانیة، حمدی عبد المجید تحقیق: السلفی، القاہرہ: داراحیاء التراث العربی، مکتبہ ابن تیمیہ.
- [۲۵] طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، محمدجواد بلاغی، ۱۰ جلدی، تهران: ناصرخسرو، چ ۳.
- [۲۶] طبری، ابو جعفر محمد بن جریر (۱۳۸۷). تاریخ الطبری «تاریخ الامم و الملوک»، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراہیم، بیروت: دارالتراث.
- [۲۷] طبری، ابو جعفر محمد بن جریر (۱۴۱۲). جامع‌البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالمعرفہ.
- [۲۸] طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا). التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق: احمد قصیر عاملی، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- [۲۹] طوسی، محمد بن حسن (۱۳۹۰). الاستبصار فیما اختلف من الاخبار، ۴جلدی، تهران: دارالکتب الاسلامیہ، ۱۳۹۰.
- [۳۰] عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵). تفسیر نور الثقلین، سید ہاشم رسولی محلاتی، قم: اسماعیلیان، چ ۴.
- [۳۱] قرائی مقدم، امان‌الہ (۱۳۸۲). مبانی جامعہ‌شناسی، تهران: ابجد، چ ۴.
- [۳۲] قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴). الجامع لأحكام القرآن، تهران: ناصرخسرو.
- [۳۳] قمی، علی بن ابراہیم (۱۳۶۳). تفسیر القمی، طبیب موسوی جزائری، قم: دارالکتاب، چ ۳.
- [۳۴] کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی، تدوین توسط علی‌اکبر محقق / مصحح: غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الإسلامیہ، چ ۴.
- [۳۵] کوئن، بروس (۱۳۷۶). مبانی جامعہ‌شناسی، ترجمه غلام‌عباس توسلی، تهران: سازمان مطالعہ و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، چ ۹.

- [۳۶] مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۴). *حیاء القلوب*، ۶ جلدی، قم: سرور، ج ۶.
- [۳۷] مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). *بحار الانوار*، ۱۱۱ جلدی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۲.
- [۳۸] معرفت، محمدهادی (۱۳۸۵). *علوم قرآنی*، قم: مؤسسه فرهنگی تمهید، ج ۷.
- [۳۹] مقریزی، تقی‌الدین أحمد بن علی (۱۴۲۰). *امتاع الأسماع بما للنبی من الأحوال والأموال و الحفده و المتاع*، ط الأولى، محمد عبد الحمید التحقیق: النمیسی، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- [۴۰] نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- [۴۱] نیضابوری، مسلم (بی تا). *صحیح مسلم*، بیروت: دار الفکر.
- [۴۲] واقدی، محمد بن عمر (۱۴۰۹). *المغازی*، ط الثالثة، تحقیق: مارسدن جونز، ۳ جلدی، بیروت: مؤسسه الاعلمی.

